

حسین علیه السلام محبوب دل‌ها

مقدمه

محرم، ماه حزن و ماتم، ماه غم و اندوه، ماه سرشک غم از دیده باریدن و بار غم عشق محبوب دل‌ها بر دوش جان کشیدن، ماه غلبه خون بر شمشیر و ماه پیروزی حق بر باطل است.

همه جا، در هر کوی و برزن، و در هر شهر و آبادی نشان از اندوهی بزرگ و جانکاه در غم سید مظلومان عالم است که در چهره زندگی آحاد انسان‌ها و سیمای عاشقان امیر دل‌ها مشهود و عیان می‌باشد، کسی در این ایام خوشحال و خندان نیست.

سیره معصومین

چنان‌که این حالت سیره ائمه معصومین علیهم السلام در ایام محرم و صفر بوده است؛ مثلاً امام هشتم علیه السلام حالات روحی پدر بزرگوارش، امام موسی بن جعفر علیه السلام را چنین بیان می‌فرماید:

كان أبي اذا دخل شهر المحرم لا يرى ضاحكاً و كانت الكأبة تغلب عليه، حتى يمضي منه عشرة أيام، فاذا كان يوم العاشر، كان ذلك اليوم، يوم مصيبة و حزنه و بكائه، و يقول هو اليوم الذي قتل فيه الحسين؛

آن‌گاه که محرم آغاز می‌شد، دیگر پدرم مسرور و خندان دیده نمی‌شد و حزن و ملال بر او چیره می‌گشت، تا روز عاشورا که آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود، و می‌فرمود: در چنین روزی بود که حسین علیه السلام کشته شد.

البته این حالت اختصاص به امام هفتم علیه السلام نداشته بلکه سیره همه امامان معصوم علیهم السلام بوده است. از آن روی که واقعه عاشورا حماسه‌ای جاوید و بی‌بدیل و مصائب ابا عبدالله

حقیقتاً مصائبی بی‌نظیر و فوق‌العاده سوزناک و جانکاه بوده است. چنان‌که امام حسن مجتبی علیه السلام در گفت‌وگو با برادر بزرگوارش، سالار شهیدان فرمود:

انَّ الَّذِي يُوتَى الْيَوْمَ، سَمٌّ يُدَسُّ إِلَى، فَأُقْتَلُ بِهِ، وَ لَكِنْ لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ... ؛
 آنچه موجب شهادت من می‌شود، سمی است که به کامم ریزند، اما ای ابا عبدالله هیچ روزی (مصیبتی) مانند روز (مصیبت) تو نخواهد بود.

عزاداری فراگیر

شهادت سرور آزادگان عالم به حدی اندوهبار و طاقت سوز بود که آسمان و زمین و آنچه در آن است از فرشتگان و جن و انس و پرندگان هوا و ماهیان دریا و ... همه و همه در مصائب او گریستند چنان‌که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

مَا بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا، إِلَّا عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فَأَنَّهَا بَكَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛
 بعد از یحیی بن زکریا آسمان در مرگ کسی نگریست، مگر در شهادت حسین بن علی علیه السلام که چهل روز در این مصیبت گریان بود.

و امام زین العابدین علیه السلام در خطابه پرشورش در جامع دمشق از جمله فرمود:

أَنَا ابْنُ مَنْ بَكَتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، أَنَا ابْنُ مَنْ نَاحَتْ عَلَيْهِ الْجِنُّ فِي الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ؛
 من فرزند کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند و جن در زمین و پرندگان در هوا بر او نوحه کردند.

گریه تمام هستی

در زیارت نامه سرور شهیدان نیز آمده:

و بکت له جميع السموات السبع و الارضون السبع و ما فيهن و ما بينهن؛
 و همه آنچه در آسمان‌ها و زمین و مابین آن دو است بر مصائب و مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام گریه کردند.

همین مضمون در سروده «شباب شوشتری»، چنین سوزناک بیان شده است:

تنها نه بر مصیبتش، انسان گریسته

هر ممکنی به موجب امکان گریسته

نوح از تنور سینه بر آن کشتی نجات
آتش به جان فکنده و طوفان گریسته
طوفان نهفته، قلعه سینا به قعر نیل
زین غصّه بس که موسی عمران گریسته
جان نبی بر آن تن بی‌سر گذاخته
چشم علی بر آن تن عریان گریسته
میزاب سان ز دیده زمزم به حال او
حجر و حطیم و کعبه و ارکان گریسته
زان زخم چون ستاره بر آن جسم چون سپهر
خورشید و ماه و زهره و کیوان گریسته
از شرم لعل خشک و عقیق سرشک او
دریا ز دیده، لؤلؤ و مرجان گریسته
رنگین ز خون هنوز بود دجله فرات
زهرا ز بس بر آن لب عطشان گریسته
بر حال اهل بیت خود از درد بی‌کسی
در تن چو سر نداشت ز شریان گریسته

چراغ صاعقه / ص ۹۸

و «یغمای جندقی» نیز می‌گوید:

در این ماتم خلیل از دیده خون افشانند آزر هم
به داغ این ذبیح الله، مسلمان سوخت کافر هم
شگفتی نایدت بینی چو در خون دامن گیتی
کزین سوگ آسمان افشانند خون از دیده، اختر هم
به سوگ فخر عالم از نبی جان و ز بنی آدم
ز افغان شش جهت ماتم سرا شد هفت کشور هم

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

بَكَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى ذَرَفَتْ دُمُوعُهَا؛
انس و جن و پرندگان و وحوش صحرا همه بر حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گریستند به
گونه‌ای که اشکشان جاری گشت.

حارث بن اعور می‌گوید: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ که پدر و مادرم به فدایش، فرمودند:

الْحَسِينُ الْمَقْتُولُ بَطَّهَرَ كُوفَهُ وَاللَّهُ كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْوَحْشِ مَادَّةً أَعْنَقَهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ
أَنْوَاعِ الْوَحْشِ يَبْكُونَهُ وَيَرْتُونَهُ كَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَيَّاكُمْ وَالْجَفَّاءِ؛
حسین من در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می‌بینم که تمام
وحوش صحرا گردن‌های خود را به سمت کربلا و قبرش کشیده‌اند و بر او
می‌گریند و از شب تا به صبح بر او مرثیه می‌خوانند، وقتی حال و وحوش چنین
باشد! پس شما انسان‌ها از جفای به او حذر کنید.

در روایت دیگری حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمود:

در عزا و مصیبت جدم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، تمام آسمان‌ها و زمین گریستند، همه جن و
انس، دوست و دشمن حتی مرکب‌ها و ماهی درون آب نیز گریستند.

ای در غم تو ارض و سما خون گریسته
ماهی در آب و وحوش، به هامون گریسته
وی روز و شب به یار لب چشم روزگار
نیل و فرات و دجله و جیحون گریسته
با درد اشتیاق تو در وادی جنون
لیلی بهانه کرده و مجنون گریسته
تنها نه چشم دوست به حال تو اشکبار
خنجر به دست دشمن تو خون گریسته
آدم پی عزای تو از روضه بهشت
خرگاه، درد غم زده بیرون گریسته

در عزای پور زهرا عرش اعلی گریه کرد
کرسی و لوح و قلم زین سوک عظمای گریه کرد

روز اوّل خواند احمد نوحه از بهر علی
مجتبی زد سینه و ام ابیها گریه کرد
تا شنید از جبرئیل آدم حدیث کربلا
نالهای زد از دل و همراه حوا گریه کرد
داستان کربلا را نوح از جبریل شنید
جامه بر تن چاک زد در قلب دریا گریه کرد
تا خلیل بت‌شکن از شرح آن آگاه شد
سوخت همچون شمع سر تا پا و تنها گریه کرد
شرح عاشورا به موسی گفت حق در کوه طور
از کف موسی عصا افتاد و موسی گریه کرد
تا رسید آوازه‌اش بر عسی گردون‌نشین
نوحه خوان گردید جبریل و مسحیا گریه کرد
قرن‌ها بگذشت تا آن روز شیدایی رسید
روز شیدایی رسید و قلب شیدا گریه کرد
تا نگون از صدر زین گردید پور بوتراب
آسمان شد تیره و در کوه و صحرا گریه کرد
تا که دیده دید خنجر را به روی خنجرش
گریه کرد آن سان که چشم خلق دنیا گریه کرد
تا سرش را بر سر نی دید آب از شرم او
سر به زیر افکند و از خجلت به مولی گریه کرد

حجم مصائب به حدی سنگین و عمق فاجعه به قدری عمیق و گستره عداوت و
رذالت و جنایت دشمنی در حادثه جان‌گداز کربلا آن‌چنان فراگیر و وسیع است که هر
انسان آزاده و غیرتمند را برای همیشه اندوهگین و با غصه قرین می‌سازد، چنانکه امام
هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

انَّ المحرَّم شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الجَاهِلِيَّةِ يُحْرَمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتُحِلَّتْ فِيهِ دِمَائُنَا وَهَيْكَتُ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَسَبِي فِيهِ ذَرَارِينَا وَنَسَاؤُنَا وَأَضْرَمَتِ النَّبْرَانُ فِي مَضَارِينَا وَأَنْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثِقَلِنَا وَلَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا. أَنَّ يَوْمَ الْحَسَنِ أَقْرَحَ جُنُودُنَا وَأَسِيلَ دُمُوعُنَا وَادَّلَ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبَلِ الْأَوْزْتِنَا الْكَرْبِ وَالْبَلَا إِلَى يَوْمِ الْأَنْقِضَا فَعَلَى مِثْلِ الْحَسَنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَاِنَّ بُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ ذُنُوبَ الْعِظَامِ كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرُ مُحْرَمٍ لَا يَرِيضَ حَاجِكًا وَكَانَتْ الْكُتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ هُوَ يَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحَسِينُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

محرم ماهی است که اعراب زمان جاهلیت خونریزی و کشتار را در آن حرام می‌دانستند و برای این ماه احترام قائل بودند، ولی مسلمان نماها در این ماه خون ما را حلال شمردند و ریختند و هتک حرمت ما نمودند و زنان و کودکان ما را در این ماه اسیر کردند و آتش به خیم ما زدند و هر آنچه در آن بود غارت نمودند و احترام رسول خدا در حق ما رعایت نکردند. همانا غم مصیبت و عزای حسین علیه السلام دل‌ها و چشم‌های ما را مجروح کرده و اشک‌های ما را جاری ساخته. عزیزان ما در سرزمین کربلا خواری و ظاهری گرفتار شدند و میراث ما از سرزمین کربلا تا قیامت غم و اندوه خواهد بود پس بر مصائب و مظلومیت حسین علیه السلام گریه کنان بگیرند که گریه بر او گناهان بزرگ را محو می‌کند.

غصه و اشک مدام

امام عصر علیه السلام در فرازی از زیارت منسوب به آن بزرگوار، معروف به زیارت ناحیه مقدسه، سوگمندانه خطاب به جد بزرگوارش حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام عرضه می‌دارد:

فَلَنْ أُخَرَّ ثَنِي الدُّهُورُ، وَ عَاقَتِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا نُدْبَكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، وَ لَا بِكَيْنٍ لَكَ بَدَلُ الدُّهُورِ دَمًا...؛

اگر زمانه به تأخیرم انداخت و مقدرات از یاریت بازماند داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می‌بارم و به جای اشک، خون می‌گیرم.

اشک ممدوح

پیشوایان معصوم علیهم السلام با آنکه گریه و بی‌تابی در هموم و مصائب دنیا را مکروه و ناپسند می‌دانستند و پیروان دین حنیف را پیوسته توصیه به صبر می‌نمودند، در مصائب

سیدالشهدا علیه السلام نه تنها خود اشک ریخته و گریه می‌کردند، بلکه به دیگران نیز سفارش می‌فرمودند در عزای سالار شهیدان اشک ریخته و گریه کنند و حتی به یاد مصائب آن مظلوم بزرگوار چهره غمگین به خود گرفته و «تباکی» نمایند و برای این حالات فضیلت و ثواب فراوانی ذکر فرمودند.

چنان‌که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که آن بزرگوار فرمود:

انَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِّلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ، مَا خِلا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلٰى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُورٌ؛

گریستن و بی‌تابی کردن در تمام نا‌ملايمات و مصايب ناپسند است، مگر در در مصيبت حسين بن علي علیه السلام که آدمی در این گریه و جزع، پاداش نیز خواهد داشت.

باز آن حضرت نقل شده که فرمود:

كل الجزع والبكاء مكروهٌ سوى الجزع والبكاء على الحسين علیه السلام؛
هر بی‌تابی و گریه‌ای ناخوشایند است مگر بی‌تابی و گریه بر مصائب امام حسین علیه السلام.

و در روایت دیگری از آن حضرت رسیده که فرمود:

من بکی او ابکی او تباکی فقد وجبت له الجنة؛
کسی که در ماتم سیدالشهدا علیه السلام بگرید یا دیگران را بگریاند یا قیافه‌ای محزون و غموار به خود گیرد هر آینه بهشت بر او واجب می‌گردد.

شعله عشق

و از آنجا که حسین بن علی علیه السلام همچون پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام و جدش رسول خدا و مادر ارجمند و ابنا گرامش علیه السلام، تندیس فضایل و تجسم ارزش‌های والای انسانی و الهی و مظهر مهر ورزیدن است و عشق به آن اسوه‌های حسنه و الگوهای شایسته، یعنی عشق به همه خوبی‌ها و ارزش‌ها.

با شهادت حسین بن علی علیه السلام شعله‌ای از عشق پاک از تنور دل ارادت کیشان و مهرورزان مؤمن زبانه کشید که این شعله مقدس هرگز نفسرد و خاموش نگشت و هرگز فسردنی و خاموش شدنی نخواهد بود، چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ان لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛

به راستی که با شهادت حسین علیه السلام آن چنان شور و حرارتی در دل مؤمنین ایجاد شده که هیچ گاه به سردی نخواهد گرایید.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که با نگاه به سیمای زیبا و نورانی حسین عزیز علیه السلام آینده سرنوشت او را در ذهن مرور می‌کند و او را الگو و اسوه آزادگان تا قیامت می‌نامد یا به عنوان معشوق و محبوب دل‌های خداپرست که آیت بزرگ حق و مظهر اتم و اکمل جلال و جمال خدا بود برای گریستن، چنین آمده:

نَظَرَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ: يَا عِبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ، فَقَالَ: أَنَا يَا ابْتَاه؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنِي؛

حضرت علی علیه السلام نگاهی به فرزند خود کرد و فرمود: ای (کسی که نام و یاد تو) موجب جاری شدن اشک (در دیده) هر مؤمن است. حسین علیه السلام گفت: پدر، منظور شما من هستم؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: آری، فرزندم!

و این حقیقت در کلمات نورانی خود ابی عبدالله علیه السلام نیز مشهود است که فرمود:

... أَنَا قَتِيلُ الْعِبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبِرَ؛

منم کشته گریه، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر آنکه سرشک غم از دیدگان وی جاری می‌شود.

زیباترین بهانه

برابر آنچه در روایات از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، سالار شهیدان زیباترین بهانه و بهترین موضوع گریستن و اشک ریختن است، چنان‌که امام هشتم علیه السلام به ریان بن شیبب فرمود:

... يَا بَنِي شَيْبِيبِ إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قَتَلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِيهُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهَمَّ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ علیه السلام فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا نَثَارَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛

ای پسر شیبب اگر می‌خواهی برای چیزی گریه کنی پس بر مصائب حسین بن علی علیه السلام گریه کن که او را ذبح کردند همان طور که گوسفند را ذبح می‌کنند و از اهل بیتش هجده نفر را با او به شهادت رساندند که در روی زمین مثل و مانند

نداشتند و هفت آسمان و زمین در شهادت او گریستند و چهار هزار فرشته برای یاری او به سمت زمین نازل شدند اما وقتی رسیدند که کار آن حضرت تمام شده بود لذا این فرشتگان پریشان مو و گردآلود اطراف قبر حسین علیه السلام معتکفند تا قائم ما قیام کند، آن گاه او را یاری خواهند کرد و شعارشان «ای انتقام گیرندگان خون حسین علیه السلام» است.

راز ناگشوده

و بالاخره چه رازی است در کارگاه خلقت که آفرینش‌گر حکیم، حسین علیه السلام را محبوب خود و همه دل‌ها گردانید و به او مقام و مرتبتی بس رفیع و والا عنایت فرمود و با خلعت شهادت بدو کرامت بخشید و او را سید و آقای شهیدان قرار داد و با او خیل بندگان را به پاداش و کیفر خواهد رساند بر ما مکتوم است!

... وَ جَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي وَ أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَ خَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتَشْهَدَ، وَ أَرْفَعُ الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً، وَ جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ، بِعِتْرَتِهِ أَثِيبُ وَ أَعَاقِبُ؛

و حسین علیه السلام را گنج بان وحی خویش قرار داده و او را با شهادت، کرامت بخشیدم، و پایانی بس با سعادت برای وی مقرر داشتم، اوست برترین شهیدان، و درجه اش از همه والاتر. کلمه تامه خود را همراه او قرار دادم و حجت رسای خویش را نزدش نهادم و به وسیله خاندان او پاداش و کیفر می‌دهم.

آری! این همه کرامت و محبوبیت، رازی است ناگشوده و سری است پوشیده و نامعلوم! و شور و جذبه حسینی در دل همگان موج می‌زند و جملگی را به عشق و دلداگی و شور و شیدایی دعوت می‌کند و از همه، دل می‌رباید! و هر جوینده سعادت و خوش‌بختی را به آستان خویش می‌کشاند و به رهروی در راه سعادت بخش خویش فرا می‌خواند.

اللهم ارزقنا زيارة الحسين في الدنيا و شفاعته في الآخرة

و عجل في فرج وليك المنتظر عليه السلام